



چرا در گذشته جامعیتی میان عالمان دینی مشاهده می‌شد/ تفاوت علم دینی و غیردینی

رئیس مؤسسه «معارف وحی و خرد» به رابطه علم و دین اشاره کرد و گفت: در بخش اهداف علم وقتی به تاریخ علم و مطالعات دینی برمی گردیم ...

در گفتگو با مهر مطرح شد؛

چرا در گذشته جامعیتی میان عالمان دینی مشاهده می‌شد/ تفاوت علم دینی و غیردینی

رئیس مؤسسه «معارف وحی و خرد» به رابطه علم و دین اشاره کرد و گفت: در بخش اهداف علم وقتی به تاریخ علم و مطالعات دینی برمی گردیم یک جامعیتی میان عالمان دینی می بینیم یعنی هرچه به گذشته برمی گردیم متوجه می شویم که عالمان ما تمام دانشهای فیزیک و متافیزیک را در مسیر هدایت و تربیت انسانی و کمال انسانی تلقی می کردند و از این جهت می توانیم میان علم و دین یک نوع همگرایی ببینیم. حجت الاسلام علی نصیری رئیس مؤسسه «معارف وحی و خرد» در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره تفاوت علم دینی و غیردینی گفت: عالمان تمایز علوم را به سه جهت دانستند؛ یا از جهت موضوع، یا از جهت محمول و یا از جهت غایت و هدف. مثلاً می گویند چون موضوع پزشکی بدن انسان است با روان شناسی که موضوعش روح و روان انسان است، تفاوت دارد.

وی افزود: آنجا که بحثهای معرفت شناسی هست و دانشمندی که از هستها نیستها صحبت می کند و یا دانشمندی که از ارزشها سخن می گوید و از بایدها و نبایدها مثل اخلاق صحبت می کند، در واقع تمایز به محمول است.

این محقق و پژوهشگر علوم اسلامی تأکید کرد: گاهی تمایز علوم به اهداف است. مثل اینکه بگوییم علم شیمی هدفش این است که ویژگی های مواد و یا ترکیب آنها را کشف کند و یا اینکه علم کلام شناخت ما را نسبت به مبدأ و معاد افزایش دهد.

نصیری با تأکید بر رابطه علم و دین، به ورود علوم طبیعی بعد از رنسانس، اشاره کرد و افزود: این سؤال مطرح است که با توجه به دیدی که ما نسبت به دین و آموزه های دینی داریم، از بین نظریاتی که به برابری علم و دین و یا تمایز علم و دین و یا نظریه تعامل و یا نظریه تکمیل را مطرح می کنند ما چه نظریه ای را می توانیم ارائه کنیم؟ به نظر می رسد اگر کسی مدعی باشد که کار و موضوع علم، دین است؛ ظاهراً این نظریه را نمی تواند بپذیرد چراکه علم به مسائلی عمدتاً فیزیکی می پردازد در حالیکه توجه اصلی دین به متافیزیک است و اگر به فیزیک هم می پردازد به عنوان بحث تکمیلی است.

وی یادآور شد: اگر دین وارد مسائلی مثل طب شده و دیدگاه هایی درباره هستی شناسی، کیهان شناسی و ... نیز هم مطرح کرده است، هدف اصلی اش اینها نبوده است بلکه هدف اصلی دین در بیان این مطالب هدایت و تربیت و کمال انسانی بوده است.

حجت الاسلام نصیری با بیان اینکه از بعد محمول نمی توانیم میان علم و دین این همانی و یا برابری قائل باشیم، افزود: اما در بخش سوم که بحث غایت و هدف است می توانیم یک همگرایی و همصدایی بین دین و علم قائل شویم و بگوییم دین اساساً آمده است تا نظامنامه و مراننامه زندگی انسان را ترسیم کند و او را به هدف نهایی که قرب الهی است، برساند. ما همین هدف را هم می توانیم برای علم قائل شویم یعنی درست است که موضوع و محمول علم، فیزیک است اما همه اینها می تواند در مسیر قرب و کمال الهی قرار گیرد.

وی تأکید کرد: در بخش اهداف علم وقتی به تاریخ علم و مطالعات دینی برمی گردیم یک جامعیتی میان عالمان دینی می بینیم یعنی هرچه به گذشته برمی گردیم چهره هایی مثل خواجه نصیر، ابن سینا، فارابی، علامه حلی و... را می بینیم که چگونه از طرفی مباحث ریاضی، فیزیک و شیمی و... را مطرح می کردند و از سویی مباحثی در حوزه مطالعات دین شناختی، اعتقادات، اخلاقیات و حتی فقه را دنبال می کردند و این به خاطر این است که آنها تمام دانشهای فیزیک و متافیزیک را در مسیر هدایت و تربیت انسانی و کمال انسانی تلقی می کردند و از این جهت می توانیم میان علم و دین یک نوع همگرایی ببینیم.

حجت الاسلام نصیری در پایان گفت: اما آنچه که از دوره نوزایی(رنسانس) تاکنون اتفاق افتاده است به گونه ای دیگر است یعنی علم و اندیشمندان علمی یک مسیر جداگانه ای برای خود قائل هستند و معتقدند که ما هیچ مسئولیتی در دفاع از باورهای دینی و ارزشهای اخلاقی نداریم.